



**مهم‌ترین مشکلات صنفی سینماگران را باید در مواردی مثل قراردادهای بیمه‌ای، حقوق بازنشستگی، بیکاری و... جست‌وجو کرد که حل آن نیازمند همکاری سازمان سینمایی و صندوق اعتباری هنر و مساعدت آنهاست. برخی از کارشناسان اقتصاد سینما معتقدند، راه حل اصلی ارائه لایحه‌ای است توسط دولت که سازمان سینمایی می‌تواند با تشکیل کارگروهی و با استفاده از کارشناسان خبره و نمایندگان خانه سینما، نقش اصلی را در به سرانجام رساندن آن ایفا کند**

ایرانی ساخته شده در بیرون از مرزها امکان حضور در این جشنواره‌ها را دارند و چه بسا ممکن است فیلم‌های ضعیف یا فیلمسازان متوسط هم از شانس بیشتری برای حضور برخوردار شوند، اما به هر حال نام ایران را پدک کشیده و به عنوان نماینده سینمای ایران معرفی و شناخته شوند. نمونه‌اش فیلم «عنکبوت مقدس» بود که فارغ از موضوع جنجالی‌اش، فیلم خوبی از حیث سینمایی و زیبایی‌شناسی نبود، اما به دلیل آن که بیرون از مرزهای ایران و مناسبات سینمایی ایران به عنوان یک فیلم معترض و اپوزیسیون در جشنواره حضور یافت، مورد توجه قرار گرفت و اعتباری برای خودش خرید. این هشداری است برای سیاست‌گذاران و مدیران سینمایی کشور که با سختگیری‌ها، ممیزی‌ها، اعمال محدودیت و نظارت‌های افراطی، فضای کار را برای تولید فیلم در داخل کشور دشوار کرده و مانع و دست‌انداز بزرگی برای شکوفایی استعدادهای داخلی و فیلمسازان خلاق و نوآور می‌شوند که نمی‌توانند فیلم خود را بسازند یا با آثار آنها برخوردی قهری و حذفی صورت می‌گیرد. برخوردهای سلبی، سیاسی و جناحی با سینماگران و هژمونیک کردن فضای تولید فیلم در نهایت منجر به حذف و نابودی سینمای مستقل نمی‌شود، بلکه امکانی برای رشد آن به وجود می‌آورد که در نهایت به مثابه سینمای موازی یا آلترناتیو به حیات خود ادامه داده و می‌تواند در رقابت‌های بین‌المللی حضور مؤثری داشته باشد. به عبارت دیگر، دود سیاست‌های مسدودکننده که سینما را با مرزبندی‌های خودی و غیرخودی به امری محفلی و جناحی تقلیل می‌دهد در نهایت به چشم خود مسئولان سینمایی می‌رود. سینما، هنری پویاست که همواره در یک

مقاومت و ایستادگی به زایش خود دست زده و خود را بازتولید می‌کند. هنر از آن دست مقولاتی است که وقتی در راه رویش بندید از پنجره می‌آید و اگر پنجره را قفل کنید، از دیوار بالا می‌رود. این جریان پویا و سیال را نمی‌توان متوقف کرد. چنان که امروز شاهد ظهور سینما و سینماگرانی هستیم که در ذیل مفهوم «سینمای مهاجرت» یا «سینمای سایه» تعریف می‌شوند؛ سینمایی که جغرافیای آن ایران نیست اما محتوا، مضمون و سازندگان آن متعلق به ایران و ایرانی است.

وقتی امکان تنوع و تکثر سلیقه‌ها و اندیشه‌های گوناگون برای تولید فیلم در داخل فراهم نشود و سینما زیر سایه سنگین سیاست نفس بکشد، راهی به راهی از این محصره می‌یابد و مدام می‌کوشد تا خود را از محدودیت‌ها و مسدودیت‌ها آزاد کند. آنگاه فقط مسافرانی که گمان می‌کنیم بیگانه‌اند در ایستگاه پیاده نمی‌شوند، بلکه ایستگاه و قطار خود را می‌سازند و مسیر خود را می‌روند. سینمای ایران اکنون در شرایطی به سر می‌برد که خود در حال تولد و تولید رقیب خود است و این می‌تواند مصداق نوعی انتحار سینمایی باشد. بزرگ شدن دایره سینمای دولتی، به حذف سینماگران غیردولتی منجر نمی‌شود، فرصتی برای شکل‌گیری سینمای آلترناتیو می‌شود که می‌تواند گوی و میدان را به نفع خود در دست بگیرد.

#### کاهش تصدی‌گری دولت در سینما

آنچه در اینجا به عنوان چالش‌های سینمای ایران مطرح شد، برای سامان یافتن در مدیریت سینمایی کشور بیش از هر چیز به جلب اعتماد سینماگران وابسته است. به اعتماد از دست‌رفته‌ای که حاصل سیاست‌های قهرآمیز و محفلی و جناحی بویژه در دولت سیزدهم بود که بسیاری از سینماگران اصیل و هویت‌مند را از قطار سینمای ایران پیاده کرد. هر دولت تازه‌ای که بر سر کار می‌آید سازمان سینمایی‌اش برای ساماندهی به اوضاع سینما از تغییر ریل‌گذاری سینمایی می‌گوید اما اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که بسیاری از سینماگران و مخاطبان سینما از این قطار پیاده شده‌اند و شاید بیش از تغییر این ریل باید مسافران را به قطار برگرداند تا مقصد و مقصود این ریل‌گذاری تازه تماشاگر هم داشته باشد. اگر پیش از این، سینمای ایران درگیر بحران مخاطب بود یا مشکلات اقتصادی داشت اما حالا دچار بحران هویت است. در واقع این خود سینما و سینماگران هستند که دچار بحران شده‌اند؛ از بحران امنیت کاری تا بحران مشروعیت. شاید مهم‌ترین رسالت سازمان سینمایی به عنوان یک نهاد دولتی این است که از دولتی شدن سینما بکاهد و بکوشد تا بستری فراهم شود تا سینما به میانجی خود سینماگران مدیریت شود. ♦

خود را آغاز می‌کند اما نکته مهم، رویکرد این شورا در صدور مجوزهاست. در دوره‌های اخیر انتقادهای زیادی به عملکرد شورای پروانه ساخت و مواجهه اعضایش با فیلمنامه‌های ارائه شده از سوی فیلمسازان مطرح می‌شد. بسیاری از کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌هایی که متقاضی ساخت فیلم‌هایی با درونمایه اجتماعی بودند از ممیزی‌های زیاد شورای پروانه ساخت گلّه‌مند بودند تا جایی که در چند ماه گذشته و پس از اینکه تغییر دولت قطعی شد، خیلی‌ها در انتظار ماندند تا درخواست‌های خود را برای گرفتن مجوز به شورای جدید ارائه دهند. حال با انتظاراتی که از دولت چهاردهم و وزارت فرهنگ و ارشاد سیدعباس صالحی به وجود آمده، این انتظارات در ذهن سینماگران شکل گرفته که آیا ریل‌گذاری مدیران پیشین سینما به مسیری متفاوت برمی‌گردد؟ آیا در روزگاری که ساخت فیلم‌های زیرزمینی رواج پیدا کرده و بسیاری از فیلم‌های ایرانی راه یافته به جشنواره‌های خارجی در یکی، دو سال اخیر بدون مجوز بودند، باز هم تأکید بر صدور مجوز به شیوه چند دهه گذشته می‌شود؟ یا اینکه قرار است در دوران جدید سینمای ایران که بی‌تأثیر از جریان‌های اجتماعی و سیاسی نیست و نیز در عصرهوش مصنوعی، طرحی نو در فیلمسازی در انداخته شود؟ به نظر می‌رسد در سال پیش رو سینماگران منتظر پاسخ به این پرسش‌ها هستند.

#### ارتقای بین‌المللی سینمای ایران

همان‌طور که در ابتدای این گزارش اشاره شد یکی از محورهای اصلی سیاست‌های سینمایی در دولت چهاردهم بنا به گفته وزیر ارشاد، که آن را به عنوان یک ابرپروژه به عهده سازمان سینمایی قرار داده است، خروج سینمای ایران از انزوای بین‌المللی است. برای این هدف شاخص‌هایی هم تعریف شده است. از جمله؛ رشد صادرات محصولات و خدمات سینمایی، تسهیل و گسترش حضور سینمای ایران در رویدادهای بین‌المللی و تولید فیلم‌های سینمایی مشترک. واقعیت این است که در دو سال اخیر اغلب فیلم‌هایی که در جشنواره‌های بین‌المللی حضور یافتند از سینمای مستقل و زیرزمینی بودند که خارج از نظام تولید و نظارت سینمای دولتی به عنوان نماینده سینمای ایران در محافل بین‌المللی حضور داشتند. عدم حضور فیلم‌ها و آثاری که در داخل ایران ساخته شده در این جشنواره و جشنواره‌های دیگر و تداوم این روند می‌تواند به انزوای سینمای ایران در سطح بین‌المللی بینجامد؛ البته این انزوا به معنای عدم حضور فیلم یا فیلمسازی ایرانی در این جشنواره‌ها نیست، چراکه فیلم‌های